

بازگشت بسوی بربریت

امیر فیض- حقوقدان

اخیرا کنگره آمریکا تصمیمی را اعلام کرد که گرچه بظاهریک تصمیم پارلمانی آمریکا بشمار میرود ولی محتوای آن عقب گرد جامعه جهانی بسوی بربریت است

تصمیم اخیرکنگره آمریکا چیست؟

سازمان ملل متحد در اجرای منشور خود عهدنامه های لازم که بتواند به اجرای منشور، جامعیت لازم را بدهد تدوین و خواستار مشارکت اعضای سازمان در اجرای آن میگردد از جمله عهدنامه های مزبور که برخی با عنوان میثاق معرفی شده است پیمان نامه منع شکنجه و اعمال خشونت و تحقیر و امثال آنها - پیمان نامه حقوق کودک - پیمان نامه بین المللی دفاع از حقوق کارگران مهاجر- عهدنامه بین المللی رفع تبعیض نژادی و بسیاری دیگر.

سازمان ملل در ردیف عهدنامه های مزبور عهدنامه مشروح و مفصلی نسبت به رعایت حقوق معلولین پس از مذاکرات مفصل و بررسی ها لازم برای موافقت و امضای کشورهای عضو سازمان ارائه داد که تا کنون ۱۲۶ کشور از جمله انگلستان - فرانسه - چین و آلمان پیمان نامه را با موافقت مجالس قانونگزاری خود تصویب کرده اند.

عهد نامه مزبور در هفته گذشته در کنگره آمریکا به بحث و رای گذاشته شد و از آنجا که برای تائید عهدنامه های بین المللی موافقت دوسوم اعضای کنگره لازم است و چنین اکثریتی بدست نیامد عهدنامه بین المللی موصوف با رای منفی ۳۸ سناتور جمهوریخواه در برابر ۶۸ رای مثبت بتصویب نرسید.

پیمان حقوق معلولین چه میگوید

انگیزه تنظیم عهدنامه مزبور گزارشات رسیده به سازمان ملل متحد است که حدود ۶۵۰ میلیون انسان که تقریباً یک دهم جمعیت کره زمین را تشکیل میدهند معلول هستند و نیاز به حمایت جامع انسانیت دارند.

ماده اول عهد نامه مزبور هدف از پیمان را با قرار زیر تعریف کرده است:

ارتقای حمایت و تضمین بهره مندی کامل و برابر تمامی افراد کم توان از کلیه حقوق بشری و آزادی های بنیادین و ترویج احترام به کرامت ذاتی آنان.

افراد کم توان شامل تمامی افرادی میشوند که دارای اختلالات دیرپای جسمی - ذهنی و جسمی هستند و این اختلالات در تقابل با موانع از مشارکت کامل و ثمر بخش آن در جامعه جلوگیری میکند.

دلیل مخالفت کنگره

آقای جیم اینهاف سناتور جمهوریخواه ایالت اوکلاهما، بردلیل مخالفت خود گفت «من حاضر نیستم مقررات دست و پا گیر سازمان های بین المللی را بپذیرم که گرایشهای ضد آمریکائی دارند و عملاً جامعه آمریکا را محدود میکند»

هنگامیکه این اظهارات سناتور مزبور را خواندم به ذهنم رسید که عبارت آقای سناتور در حافظه ام آشناست یاد آمد که عبارت مزبور باید در مقدمه باصطلاح قانون اساسی جمهوری اسلامی باشد.

عین عبارت مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی چنین است

حقوقه مجریه به دلیل اهمیت ویژه ای که در رابطه با اجرای احکام و مقررات اسلامی بمنظور رسیدن به روابط و مناسبات عادلانه حاکم بر جامعه دارد و همچنین ضرورتی که این مسئله حیاتی در زمینه سازی وصول به هدف نهانی حیات خواهد داشت بایستی راهگشای ایجاد جامعه اسلامی باشد نتیجتاً محصول شدن در هر نوع نظام دست و پاگیر پیچیده ای که وصول به این هدف را کند و یا خدشه دار کند از دیدگاه اسلامی نفی خواهد شد>

تشابه مفهومی بین اظهارات سناتور آمریکائی و یا متفکرین جمهوری اسلامی کاملاً قابل درک است فقط باین تفاوت که قانون اساسی جمهوری اسلامی استنکاف از پیمان ها (نظام های حقوقی) رابه حساب حفظ اسلامی گذاشته و سناتور به حساب محدود کردن جامعه آمریکا.

یادمان باشد که جمهوری اسلامی مخالفت خود را با نظامهای حقوقی سی سال قبل اعلام کرد و کنگره آمریکا در امسال برآستی که خاکش بسر، ترقی معکوس کرده است.

خود پرسى کنیم کجای پیمان مزبور ضد آمریکائی و جامعه آمریکا را محدود میکند؟ بهره مندی افراد کم توان و علیل از حقوق بشری، مقررات دست و پاگیر است؟ آیا حفظ کرامت انسان های کم توان ضد آمریکا ست؟ اگر بهره مندی افراد کم توان از حقوق بشری مقررات دست و پاگیر و مطلوب آمریکا نیست چطور آمریکا به بهانه حقوق بشرکشورها و ملت هارابه خاک و خون میکشد؟ مرگ خوبست برای همسایه؟

هر عهدنامه ای محدودیت هائی را با خود دارد کرامت انسانی و انسانیت است که قبول محدودیت هارا توصیه میکند مگر اعلامیه جهانی حقوق بشر ایجاد محدودیت نکرده است.؟

عهد نامه های بین المللی که در طول عمر جامعه ملل و سازمان ملل متحد بتصویب رسیده عموماً بدون استثناء وارد کردن قید و یا ممنوع ساختن اعمالی است که از دوران بربریت باقی مانده است، برداشت آقای سناتور آمریکائی که گروه عظیمی هم تانید داشته است نشان میدهد که آمریکا از امضای عهد نامه های گذشته که بطریقی جریان نظام حقوقی و عرفی بربریت را محدود و یا محدود ساخته ناراضی است.

و برای جبران این ناراضی کافی نیست که از عهدنامه های جدید دوری کرد بلکه خروج از عهدنامه های سابق هم ضرورت تامه دارد.

و اینکه جهان ناظر است که آمریکا برخلاف عهدنامه های بین المللی از جمله عهدنامه عدم مداخله در امورکشورها صراحتاً دخالت خود را توجیه و محق میداند میتوان گرفت که ریشه آن بیش از آنکه جنبه سیاسی موضعی داشته باشد جنبه تحول آمریکا به بازگشت بشریت به عهد بربریت را دارد.